

پیام شاهزاده رضا پهلوی
به مناسبت
درگذشت آیت الله حسینعلی منتظری

۳۰ آذرماه ۱۳۸۸

هم میهنانم،

در گذشت یکی دیگر از نخستین پایه گذاران حکومت اسلامی، احساسات متضادی را در اذهان همه ایرانیان آزادی خواه برانگیخته است. آیت الله منتظری، از سوئی، در ایجاد و تحکیم حکومت دینی و نظام ولایت فقیه، که بی کمترین تردید تبه کارترین حکومت در تاریخ کهن وطن ما بوده است، نقشی اساسی و بنیادین داشت. وی از شاگردان و یاران رهبر انقلابی بود که یکی از مخوف ترین حکومت های تاریخ بشری را بر مردم آزاده و شریف ایران مسلط کرد. هم او بود که در نخستین دهه عمر این حکومت ضد ایرانی مشارکتش در طراحی برنامه های خانمانسوز رژیم چنان بود که فرزند صدیق امام نام گرفت و به مقام نیابت و جانشینی ولی فقیه رسید. اگر کارنامه عمر سیاسی وی به چنین اعمال و رفتاری محدود می شد بی گمان مرگ او تأسفی بر نمی انگیخت.

در دو دهه اخیر، اما، حسینعلی منتظری به تدریج به راهی دیگر گام گذاشته و به انتقاد از سیاست های حکومتی پرداخته بود که خود در ایجاد و استمرارش مسئولیتی غیرقابل انکار داشت. وی، از جمله به انگیزه های حاکمان در ادامه جنگ با عراق خرده گرفت و کشتار بی رحمانه هزاران تن از جوانان ایرانی را در آستانه پایان جنگ با عراق محکوم کرد. و چنین بود که از مقام جانشینی رهبر برکنار شد و محصور در سرای خویش که گاه به انتقاد از اعمال و رفتار یاران دیروزش برخاست. در پس نمایش رسوای انتخابات و سرکوبی های خونین و بی رحمانه جوانان آزادی خواه ایران بود که حسینعلی منتظری از خرده گیری به سیاست های رژیم پا فراتر نهاد، و برای نخستین بار با صراحتی روزافزون به انکار مشروعیت قانونی و شرعی نظام و رهبرش برخاست. وی در مصاحبه ها و بیانیه های گوناگونش، بیش از هر روحانی سرخورده و نادم دیگری، تجاوزهای بی حساب و بی رحمانه رهبران، ایادی و عمال رژیم را برشمرد.

بی گمان، در این خطرترین برهه از تاریخ پیکار مردم ایران علیه نظام خونریز و تبه کار، مواضع و سخنان حسینعلی منتظری در تعمیق شکاف در صف رهبران رژیم و در بیدار کردن وجدان سپاهیان انقلاب و نیروهای بسیجی سهمی به سزا و غیرقابل انکار داشته است. در نبرد سرنوشت سازی که امروز بین اکثریت قاطع مردم ایران، از سوئی، و حکومتی شریر و متجاوز در سراشیب فنا، از سوی دیگر در گرفته همراهی و همسوئی احدی را به هر پیشینه و نظری دستکم نباید گرفت. زندگی سیاسی آیت الله منتظری خود نشان دیگری از امکان تحول و انقلاب در ذهن و رفتار و اندیشه و آراء انسان هاست.

امیدوار باشیم که همنسلان و یاران روحانی دیرین و امروزین وی، چه آنان که همچنان در صف غاصبان حقوق ملت و سرکوبگران فرزندان برومند ایران مانده اند، و چه آنان که به حکم وجدان آماده جبران خطاهای خویش اند، به راهی که او گام نهاده بود قاطعانه گام نهند و مردم ایران را در رسیدن پیروزی بر دشمنان سرکوبگر خود یاری دهند.

خداوند نگهدار ایران باد
رضا پهلوی